

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«فهرست فصل ها و بخش ها»

ترور و تروریسم

دوران تاریخی ترور

دین و ترور

فعالیت بر ضد ترور

ریشه های خشونت و ترور

استراتژی تروریستی و سیستم سازمانی

ترور و جرم شناسی

مقدمه:

ایجاد جو ترس و وحشت با قتل و غارت های بی دلیل و نامرئی تهدید و ارعاب از طریق گوناگون ترور نامیده می شود. و به طور کلی ترور مارکی است برای بسیج افکار عمومی علیه هر فرد یا گروه و نظام و مکتبی که در برابر آمریکا و امپریالیسم غرب به کار می رود.

و ترور روشی نیست که همیشه به تنهایی مورد استفاده مارکیست ها قرار می گیرد بلکه به طور کشورهای سرمایه داری و گروه های راست گرا از همان روش و وسایل اقدام به ترور و ایجاد وحشت می نماید و ویژگی اصلی ترور سیر اشاعه و وحشت است.

در تروریسم ترور هدف نیست بلکه وسیله ای است و وسیله بسیار مهم برای تحصیل وصول به هدف می باشد و قبل از هر چیز باید بگوئیم هر عمل خشونت بار ترور نمی باشد یعنی نباید درگیری بین دو نفر و یا دیوارهای خشونت بار فردی را جز این تعریف به حساب آوریم برای ایجاد یک نظام اجتماعی عاری از خشونت و ترور به جای اینکه اعمال خشونت بار را با مجازات و تنبیه بازداشت بدون شک سالم ترین اصلاح شرایط به وجود آورنده و مشروع نشان دهنده اعمال خشونت و ترور می باشد اقدام به یک عمل خشونت بار همیشه یک روش قانونی مشروع نیست حتی حوادث خشونت بار در بعضی موارد از کشورها می تواند به عنوان یک وسیله کنترل و یا یک وسیله تغییرات سیاسی به کار می رود. و تلاش های جهانی برای مبارزه با ترور مساله را با کنار گذاشتن این و چه کار با اهداف سیاسی مورد ارزیابی قرار داده و از نظر حفظ نیروی حاکم و موقعیتشان مورد توجه قرار می دهد.

تاریخ معاصر ایران بدون شک پیچیده ترین دوره تاریخی این سرزمین است زیرا در این دوره جامعه ما با تبعیت از تحولات بین المللی تن به شدید ترین دگرگونی ها در تمامی زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی داد.

تا سالهای اول قرن بیستم سازمان اجتماعی و ساختار سیاسی کشور هنوز مبتنی بر علائق قومی، قبیله ای و احساسات و باورهای سنتی بود در این سال ها فقط  $\frac{1}{5}$  از کل جمعیت ده میلیونی کشور در شهرها زندگی می کردند در حالی که ماکس وبر جامعه شناس آلمانی یکی از شرایط توسعه پذیری اقتصادی را حجم بالای شهر نشینی می داند.

نه تنها پائین بودن سطح شهر نشینی بلکه ایران در دوره مورد مطالعه هیچکدام از شرایط توسعه یافتگی و تحول پذیری سیاسی اقتصادی را نداشت دور افتادگی شهر ها با شرایط اقتصادی فرهنگی متقارن و حتی

متضاد و جدئی شهر از روستا و جدائی مردم از یکدیگر پائین بودن سطح فرد اجتماعی- بی تفاوت بودن نسبت به نوع و رفتار حاکمیت نگرش تقدس آمیز نسبت به شاه و حاکم و بی رقیب و معارض بودن شاه سست بودن عوامل همبستگی ملی و حاکم بودن عواطف بیگانه گریزی در میان مردم و

حکومت کشور ما را در یک محیط مسدود و شرایط محدود قرن توده ها و شهرها موجب شده بود تا حس مشارکت پذیری و تحول خواهی در میان ما رشد نکند اما این شرایط بر سرعت متحول گردید زیرا تحولات سریع سرمایه داری در غرب و بروز انقلاب پروژوا و موکراتیک و اصلاحات اجتماعی، مذهبی به صنعتی طی قرن نوزدهم دنیای غرب را با کمبود مواد خام و بازار فروش کالا روبرو کرد.

واژه ترور و تروریسم:

ترور واژه ای سیاسی است که اهداف سیاسی را تعقیب می کند بنابراین تروریسم به عنوان یک مکتب خود را مجاز می داند، برای رسیدن به اهداف خود از هر وسیله و هر شیوه ای بهره گیرد.

در لغت نامه روابط بین الملل ذیل کلمه *Terrorism* آمده است که «ترور و تروریسم به فعالیت های بازیگران دولتی و غیر دولتی که شیوه و تمهیدات خشن را در اعمال خود برای رسیدن به اهداف سیاسی به کار می برند اطلاق یم شود همه منابع اذعان دارند که ترور یک اقدام سیاسی برای نیل به اهداف سیاسی است اما نوع این اقدام اهمیت چندانی ندارد ممکن است یک قهرمان فریب خود را و یا یک سرمایه دار رقیب خویش را با کشتن از سر راه خود بردارد. این اقدام تروریست گرچه به عنوان عملی تروریستی

شناخته شده است. ترور دو حالت دارد: در حالت اول شخص یا اشخاصی با انگیزه سیاسی کشته می شوند تا مانع یا موانعی از سر راه هدفی سیاسی برداشته می شود حالت دوم عبارتند از: احساسات و عکس العمل هایی که این ترور در جامعه به وجود می آید از نظر لغوی این ترور نیز ترور Terror یا Terrou به معنی حاکم شدن شرایط ارباب و دلهره در جامعه است اما عملاً ترور به معنی کشتن مصطلح شده. زیرا ترور موفق به تروری اطلاق می شود که مضروب با ضربه جناب به قتل می رسد مضافاً این که نوع حربه اهمیت ندارد البته در این جا مراد ترور سرخ است یعنی تروری که با کمک اسلحه اعم از سرد و گرم و به قصد کشتن صورت می گیرد که گاهی ممکن است منجر به قتل نشود که در این صورت ترور ناموفق نامیده می شود. اما در هر حال صورت منظور از ترور به کارگیری هر وسیله ابزار و شیوه ای جهت حذف فیزیکی رقیب یا رقبا از صحنه سیاست است این وسایل می تواند شامل سلاح های سرد و گرم شود جستن از سموم مختلف تصادم های ساختگی و ... حتی مرادی جزئی وجود دارد که شخص در نتیجه تهدید شخصی دیگری مجبور به خود کشی شده است (میلتر نیز از این نوع استفاده می کرده است)

گاهی تبعید کردن مخالفین که باعث دور کردن آنان از صحنه سیاست می شود به حساب ترور می گذارند.

ترور سرد مثل جنگ سرد شیوه جدید از ترور است که معمولاً تعقیب کیفری ندارد در این نوع ترور عامل ترور با هیاهو، جنجال و تبلیغات از طریق رسانه های حجمی و انتشار مقاله و کتاب و حتی ساختن فیلم های جعلی رقیب را متهم به اعمالی می کند که پایه و اساس واقعی ندارد این تهمت ها می تواند شامل مصرف مواد مخدر، روابط نامشروع، رشوه دهی و رشوه گیری و ... می باشد ممکن است این شیوه یعنی ترور سرد در رقابت های اقتصادی، ورزشی و هنری نیز به کار گرفته شود اما همان طور که می دانیم ترور عمدتاً باید هدف سیاسی را تعقیب کند.

دوران تاریخی ترور:

**دوره اول:** تا آن جا که تاریخ به یاد دارد نخستین اقدام تروریستی منسوب به فیثاغورث ریاضیدان و فیلسوف مبارز یونانی در قرن ششم پ، م است ولی که سخنگوی جناح آریستوکرات بود به دنبال مبارزه با ملامس رهبر جناح دموکرات و قبول شکست از آتن فرار کرد و در سیسیل در جنوب ایتالیا مقیم گردید.

جنوب ایتالیا در آن زمان جزء متصرفات یونان بود فیثاغورث با تشکیل گروه هایی در جنگل های سیسل و تعلیم خرابکاری به جوانان طرفدار خود آنان را برای مقاله با دموکرات ها به آتن اعزام می کرد.

ترور نشانه ضیافت اصلاحگر یونانی در سال ۳۶۱ پ م به دست آریستوکرات ها و مسموم کردن سقراط به دست حاکمان حزب دموکرات در سال ۳۹۹ یا ترور ژولیوس سزار امپراطور رموم توسط کاسیوس در سال ۴۴۴ پ م و قتل خسرو پرویز سامانی توسط درباریانش به سال ۶۲۸ و قتل خلفای عباسی و شاهزادگان سلجوقی حتی طی جنگ های صلیبی به دست فدائیان اسماعیلیه و یا ترور هانری چهارم و .... و ... همه و همه از جمله ترورهایی بوده اند که اهداف سیاسی را دنبال می کرده اند.

فدائیان اسلامیه به چند دلیل در تاریخ اروپا شهرت دارند: اول این که اینان همزمان و معارض سلجوقیان بودند و سلجوقیان در واقع ای زک سوحضم امپراتور روم شرقی به شمار می آمدند و از سوی دیگر رقیب میلیون در شامات بودند.

اسماعیلیه نقش مهمی در جنگ های صلیبی داشتند زیرا هم خلفای عباسی و هم شاهزادگان سلجوقی و گاهی نیز امرای صلیبی را ترور می کردند و در واقع نقش متعادل کننده قدرت را بازی می کردند.

به این علت و نیز به جهت آن که عقاید اسماعیلیه به عنوان یکی از فرق شیعه به ؟ مورخین غربی اهمیت فوق العاده ای را برای آنان قائلند.

دوره دوم:

این دوره از انقلاب کبیر فرانسه شروع می شود با انقلاب فرانسه ترور به عنوان یکی از واژه جدید وارد قاموس سیاست شده است می توان ادعا کرد که اصطلاح ترور با انقلاب فرانسه شناخته شد. به طور کلی ترور و انقلاب به ظاهر مفهوم غیر قابل تفکیک جلوه کرده اند.

فرهنگ علوم سیاسی معتقد است که Terror یا Terreur به معنای ترس است در تاریخ انقلاب کبیر فراسنه واژه ترور معنای خاصی یافت که دو منظور را افاده می کرده نخست به معنای اتخاذ تدابیر و روش های سرشمانه علیه ضد انقلاب است دوم نام دوره ای است که از انقلاب که در آن ژاکولن ها به عنوان خشن ترین جناح انقلاب قدرت را به دست می گیرند و با دایر کردن دادگاه های انقلابی و به راه انداختن یک شبکه اطلاعاتی و جاسوسی رفتن، غارت، تبعید و مصادره اموال جو ترس ارباب وحشت و دلهره را حاکم بر جامعه می کنند به همین دلیل سالهای بین ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۵ معروف به حکومت ترور می شود.



با تشکیل کنگره دین در قرن نوزدهم و اشاعه جنبش های آزادی بخش و وحدت طلبانه موج ترس در سراسر اروپا را فراگرفت جنبش کاربونی ها در ایتالیا و جنبش بورشن شاست انجمن دانشجویان وحدت طلبی آلمان در دانشگاه این سی جنبش دانشجویی یوگ اسلاو برای کسب استقلال عربستان بزرگ به وجود آمدند.

رفته رفته ترور سازمان یافتگی بیشتر یافت و تروریسم به عنوان یک نگرش سیاسی در کنار نظرگاه های دیگر مثل نیجلیسم و آنارشیزم قرار گرفت زادگاه اصلی تروریسم روسیه قرن نوزدهم بود زیرا جنبش های دانشجویی ضد استبدادی با انگیزه های آنارشیستی، سوسیالیستی و مارکسیتی یکی از نزدیک ترین راه های رسیدن به مقصد سیاسی خود را ترور شخصیت بلند پایه اساسی و سیاسی می دانستند در حالی که ثابت شد ترور ها سیاسی فردی هیچگونه موفقیتی در بر ندارد.

احتمالا پیامدهای معین موج تروریسم بود که نخستین ترور سیاسی را در تاریخ معاصر ایران با ابعاد وسیع تر موجب گردید چنانچه میرزا رضای کرمانی در ۱۷ ذی القعدة ۱۳۱۳ ناصر الدین شاه را در جوار حضرت عبدالعظیم نقش بر زمین کرد و جامعه ما را با فرهنگ ترور و تروریسم

آشنا نمود به همین دلیل بعد از این واقعه شاهد ترورهای مکرر در صحنه سیاست داخل ایران هستیم.

مثل ترور میرزا علی اصغرخان اتابک در حالی که ایران قبلاً ترورهای سنتی را بارگ زدن امیرکبیر و خفه کردن قائم مقام تجربه کرده بوده است در هر حال ترور سرخ میراث فرهنگ نظام سرمایه داری است که از جامعه اروپا و از دروازه روسیه وارد ایران شد.

محمد رضا آشتیانی زاده در بخشی از خاطرات خود تحت عنوان کمیته مخابرات و؟ می گوید:

قبل از انقلاب مشروطه بمب اندازی و؟ در ایران معمول نبود و ایرانی ها به طور کلی از موضوع ترور و تروریسم آگاهی نداشتند.

دوره سوم:

در این دوره با قدم نهادن به تروز از دو ویژگی برجسته نسبت به گذشته برخوردار می شود اول اینکه ترور تحت عنوان تروریسم به عنوان یک طرز تفکر و به مشابه یک نوع اندیشه سیاسی مورد توجه محافل سیاسی قرار می گیرد و از سازمان یافتگی قابل ملاحظه ای برخوردار می شود مهمتر اینکه تروریسم به کمک فنون و ابزار جدید در اردوگاه های پنهانی تحت تعلیمات پیشرفته قرار می گیرد.

و با شیوع مارکیسم و سوسیالیسم، تروریسم به عنوان یک اقدام انقلابی مشروعیت سیاسی پیدا می کند دوم اینکه تروریسم بعد از جنگ جهانی دوم و خصوصاً از دو دهه گذشته یکی از مهمترین مباحث در دنیای سیاسی شده و به عنوان نقطه عطفی در سیاست خارجی برخی از دولت ها مورد توجه قرار گرفته است.

به طوری که دولت ها با سرمایه گذاری قابل ملاحظه ای در پی اعمال شیوه های تروریستی برای حل مشکلات سیاسی خود با دولت های دیگر بوده اند و این اقدام را با دلایل برای خود و دیگران توجیه می کنند. بدین ترتیب تروریسم دولتی یا به عرصه وجود گذاشت و شکل بسیار خطرناکی به سیاست خارجی و روابط بین المللی را به خود جلب می کند.

در سال ۱۹۸۹ در چهل و چهارمین اجلاس سالانه جمع عمومی سازمان ملل تحت موضوع تروریسم در کمیته ششم این جمع که به کمیته حقوقی شهرت داشت مورد بحث داخلی در نظر نمایندگان کشورها از جمله هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

کشورهای غربی با هرگونه ترور و تروریسم و تحت هر عنوانی و به هر دلیل مخالفت می کردند و اعتقاد داشتند که تروریسم دولتی باعث بروز اختلال در نظم جهانی و سیاست بین المللی شده است و بایستی دولت های تروریسم ضمن تحریم و تقبیح این عمل تروریسم را از سیاست خارجی خود حذف کنند.

درمقابل کشورهای انقلابی و طرفدار جنبش های آزادی بخش و غیر متعهد ضمن محکوم کردن اصل تروریسم دولتی اعتقاد داشتند بایستی بین تروریسم و حرکت های آزادی بخش کشورهای تحت سلطه امپریالیستی تفاوت قائل شد زیرا علت های زیر نفوذ قدرت های جهانی برای رسیدن به استقلال و حاکمیت ملی خود مجاز هستند. به شیوه های انقلابی متوسل شدند.

وانگهی سازمان های جهانی بایستی تعریفی جامع از تروریسم ارائه دهند و سپس دلایل تروریسم را بررسی می کنند و ریشه های توسعه تروریسم را خشک کنند و نیز به تروریسم به عنوان یک معلول مورد توجه شود.

دایره المعارف بریتانیکا ذیل اصطلاح Terrorism آورده است:

تروریسم را می توان به مشابه کاربرد و یا خشونت علیه اشخاص یا اموال یا برای ارباب و داشتند حکومت ها سازمان های اسمی یا جمعیت غیر نظامی یا اهدافی سیاسی مذهبی و یا اجتماعی تلقی کرد.

همین منبع می افزاید: آنچه تروریسم معاصر را مشخص تر می کند محرک های قوی یا اهداف آنها نیست بلکه بیشتر حد و میزان دخالت و درگیری دولت ها در آن است که اعمال وسیعاً مخرب و سازمان یافته ای را علیه ملت ها و حکومت های معارض به کار می برند.

اصطلاح جدیدی به به نام تئاتر ترور و به موضوعی اطلاق می شود که عرفش سرزنش رسانه های حجمی است زیرا این رسانه ها اقدامات تروریستی را با آب و تا به تمام مطرح می کنند.

کنداسیون مبارزه با تروریسم که در سال ۱۹۷۶ در وین تشکیل شد دولت های اروپائی را موظف به همکاری مشترک جهت مبارزه با تروریسم کرد.

دین و ترور

رابطه بین دین و ترور از مدت ها پیش یک موضوع نگران کننده بوده است

با توجه به ادیان آسمانی خواهیم دید که در این ادیان حق و باطل موجود

بوده و مبارزه ای نیز بین این دو طرف وجود داشته و دارد بنابراین در

ریشه عملیات خشونت بار تفاوت های فاحشی وجود دارد.

منبع اصلی بعضی از اعمال خشونت که دارای ظاهری مذهبی هستند دین

نمی باشد البته ممکن است این گونه عملیات تحت نام دین انجام می گیرد.

به عنوان مثال: می توان به تروریسم یهودی، جنگهای صلیبی و یا عملیات

برده داری مغربی ها که با کمک کلیسا در افریقا به راه انداختند و نیز

اشتغال خاور دور و آمریکا اشاره کرد.

با توجه به اشغال بخش عظیمی از سرزمین های اسلامی به وسیله

دشمنان اسلام و اینکه امروز حتی برخی از کشورهای اسلامی مستقل به

وسیله رژیمهای دست نشانده اداره می شوند.

نهفتهای آزادی بخش اسلامی عملیات تلافی جویانه اقدامات اشغالگرانه و

استعمارگرانه غرب در سال ۲۰ سال قبل می باشد.

در عصر حاضر نهضتهای اسلامی رادیکال، اغلب دست به اعمال خشونت

بار زده و برای این عملیات خود نیز دلایلی از قرآن اراده می دهند انقلاب

ایران، رزمندگان؟ صحرا، مقاومت اریتره، مجاهدات افغانی اخوان المسلمین و نهضت آزادی بخش فلسطین، از جنبش های اسلامی بوده و بر علیه دشمنان عملیات نظامی و چریکی ترتیب می دهد.

مخالفت با غفلت آزادی بخش اسلام به معنی قبول مشروعیت جنایات ۲۰۰ ساله غرب می باشد.

کسی که در مفهوم مطلق مخالفت خشونت می باشد امروزه نیز ضد خشونت های اسلامی بوده و امتیازی به خشونت چندین سال گذشته

خواهد داد جریان، استفاده از قوه تهویه برای بازپس گرفتن حقوقی که با استفاده از قوه تهویه غصب و اشغال شده بود، می باشد.

منطق اصلی نهضت های آزادی بخش اسلامی از این عبارت است. با استفاده از قوه تهویه اقدام به غضب حقوق دیگران و اشغال اراضی بخش اسلامی مردود است.

رابطه بین دین و ترور در این است که بایکسری محدودیت هایی وجود دارد که این را هم توضیح خواهیم داد.

آیا خشونت در اسلام مشروع است؟

باید گفت آری. خشونت در اسلام مشروع است اما محدودیت هایی وجود دارد خشونت آخرین راه چاره است و از یک حس سادیسم و یا علاقه سرچشمه نمی گیرد.

دین مبین اسلام با ناحقی و بی عدالتی را یک فرضیه دینی می داند حکم کسی که در مقابل ناحقی ها سکوت می کند شیطان بی زبان است و مسلمانان را مجبور به مقابله با ناحقی ها می کند یک مسلمان در مقابل هر

نوع بی عدالتی و ناحقی مجبور به مداخله می باشد. اگر این امر امکان پذیر نباشد اخطار شفاهی از فریضه های مسلمانی است. اگر قدرت انجام این فریضه را نیز نداشته باشد باید از ته قلب نسبت به ناحقی احساس بغض و نفرت نماید. فریضه سوم برای کسانی است که ایمان ضعیفی دارند.

میدان مسئولیت مسلمانان تمام مسلمانان تمام کره زمین را در بر می

گیرد زیرا یک مسلمان خود را بنده عاجز و در عین حال خلیفه الله می داند. مسلمانان در روی زمین موظف به حفظ پنج اصل این ها امنیت جان، مال، ناموس، ایمان و عقل افراد است. جان، مال، ناموس ایمان و عقل هر انسانی قابل احترام است.



کسی نمی تواند از طریق غیر قانونی این امنیت ه گانه را مورد تجاوز قرار دهد اسلام حتی در زمان جنگ نیز جان مردمی را که با اسلحه به مقابله با آنان برنخاسته اند و حفظ کرده و به منازل، کلیسا، و کنیه آنان بی حرمتی نکرده مال و ثروت آنان را به یغما نبرده و باغ و مزارعشان را تخریب نکرده است.

فعالیت بر ضد ترور:

در سال های اخیر در جهت آغاز فعالیت جهانی بر ضد ترور و وحشت یک سری پیشنهادات قابل بحث مطرح گردید بر اساس اطلاعات به دست آمده آمریکا در امریکای مرکزی و افریقا صاحب چندین مراکز آموزشی ترور بوده و تروریست های این نوع مراکز از طرف دولت آمریکا حمایت و تغذیه می شوند.

یک نوع جنبش تروریستی که نمونه آن را در اکتبر ۱۹۸۵ مشاهده کردیم موجب سرنگونی دولت ایتالیا شده و مساله از این جهت سرآغاز بحث جدیدی شده است.

به منظور نشان دادن رابطه آمریکا با ترور باید نمونه های بی شماری از حمایت بی چون و چرای رژیم نظامی و دیکتاتوری اغلب کشورها و از جمله اسرائیل و افریقای جنوبی از طرف آمریکا را ذکر کرد.

هم اسرائیل و هم رژیم در اقلیت سفید پوستان و نژادپرستان افریقای جنوبی تهدید کنندگان منافع انگلستان و امریکا را تروریست قلمداد کرده و در این اتهامات برای خود به فکر جستجوی پشتیبان می باشند.

برگزاری یک کنفرانس جهانی به منظور مقابله با تروریسم از طرف اسرائیل نیز بیان این واقعیت می باشد از این بحث و گفتگوها که به سردرگمی امریکا در جریان می باشد ضمن اینکه به عنوان وسیله ای برای مخفی نگه داشتن ترور سازمان یافته از طرف آمریکا و یا مشروع نشان داده آن به کار می رود.

از طرفی نیز نهضت‌های اسلامی و؟ به عنوان (جنبش‌های تروریستی) مورد محکومیت قرار می گیرد.

ترور جنگ محدودی است که سرآغاز جنگ جهانی سوم که هنوز اعلام نشده محسوب می گردد.

بلکه هم نام جنگ استقلال طلبانه کشورهای جهان سوم بر ضد استعمار و کشورهای امپریالیست است. در چنین صوتی و در این مفهوم منفی جلوه نمودن تروریسم در یک لحظه نباید کاری چندان آسان باشد. تروریست‌ها اعلیرغم اینکه عامل حوادث خونین می باشند از مصمم بودن خود در ادامه شخصیت فاعل عملیاتی سخن می گوید.

حوادث ترور و وحشت از این پس در شکل هیجانات جوانی ده سال پیش تجلی نمی شود. لایلا خالد چریک مشهور سال ۱۹۶۹ هنوز خط قبلی خود را حفظ کرده او می گوید پسرش نیز باید یک چریک واقعی باشد.

البته کسی را نمی توان مشاهده نمود که دزدی و راهزنی را عمل مشروع و قانونی بداند و یا کسی هم وجود ندارد که برای فدائیان بهشت حسن صباح مدیحه سرائی می کند.

اما در جریان مذاکرات پیرامون ترور نشان دادن رزمندگان آزادی که بر علیه رژیم و دیکتاتوری دست نشانده مبارزه می کنند.

مبارزات دفاع مشروع مردم در جنگ های آزادی خواهانه بعنوان تروریست و تروریسم خیال نمی کند مورد قبول قرار گرفته و نسبت به این نوع طرز تفکر احترامی قائل بود.

خلاء در قدرت مرکزی، علل اقتصادی، بحران های اخلاقی، ضعف اعتقادات

دینی و مذهبی، بیکاری و استعمار آزادی و ... و هر حادثه اجتماعی غیر مثبت توده ها را به سوی ترور جذب می کند در چنین صورت عملیات خشونت بار با وجهه تبلیغاتی در دستور کار قرار خواهد گرفت.

زیرا توطئه و نقشی نیست که نتوان آن را با قوه تهدید به هم زد.

وقتیکه شدت و خشونت برای بار اول خود را نشان داد.

دیگر شکل خواهد بود که بتوان حق را از ناحق تشخیص داد برای اینکه در چنین مواقعی همه برای حقدار نشان دادن خویش انبانی از دلیل و برهان ارائه خواهد داد.

این بدان معناست که نباید با تروریسم جهانی مبارزه کرد اما این مبارزه از نظر عدم در گرداب استراتژی های سیاسی و نظامی یک سری از کشورها حائز اهمیت است.

مسأله روش به کار رفته در مبارزه با ترور جهانی هنوز به راه حل اساسی نرسیده است. قراردادهای منع آزمایش سلاح های هسته ای توافقنامه های ضد تسلیحاتی فضا تفاهم نامه های مربوط به مبادله مخربین و عدم تشخیص و تعیین نقطه نظر مشترک در مقابل هواپیماربائی، از عوامل مشکل کننده حل مسأله مذکور می باشد.

در وضعیت فعلی ترور به صورت حربه ای موثر در مقابل مخالفان دشمنان درآمده است. جنبش های سازمان یافته ترور دولتی نسبت به اعمال خشونت گروه های پراکنده تروریسم از نظر قدرت و نفوذ به مراتب در سطح بالائی قرار داد. درمبارزه با ترور مسائلی از قبیل رفع نامتعادلات جغرافیایی و منطقه ای پیشرو ترور اصلاح ارزشهای اخلاقی و بافت

اجتماعی جامعه و تضمین آزادی های مذهبی و وجدانی دارای اهمیت ویژه ای هستند.

مادامی که استعمار زیاد می شود و در محیط نا امن جهانی افزایش می یابد و در مداخلات خارجی قطع نمی شود و آزادی های فردی و اجتماعی سرکوب می گردد. تروریسم نیز به همان نسبت تشدید می گردد.

ترور موجودیت و قدرت خود را نه از مایه اصلیش بلکه از شرایط و محیط خارجی کسب می کند آن دسته از اعمال تروریستی که در نتیجه انحرافات فردی به وجود آمده باشد چنان بادوام و پابرجا نخواهد بود.

اگر منبع اصلی ترور عکس العملی در مقابل بی عدالتی و ناحقی ها باشد راه میان بر برای از بین بردن ترور برچیدن بی عدالتی ها و ناحقی ها است زیرا یک وضعیت کاملاً برعکس، به معنی به تأخیر انداختن ترور و پذیرش آن به صورتی کاملاً شدید خواهد بود.

تقسیم ترور و خشونت:

۱- ترور دولتی

۲- ترور فردی

۱- در ترور فردی خشونت از رفتار تجاوز گرانه فردی به صورتی سازمان یافته و با اهداف سیاسی برای تأمین حاکمیت و ایجاد سلطه به کار می

رود و خشونتی که برای دفاع به کار می رود و عموماً یک روش مقبول و رایج و مشروح میباشد.

۲- خشونت سیاسی و دولت: در کل باید از خشونت عادی و ترور تفکیک

کرد اولین نوع از اعمال خشونت بار غیرارادی و ارادی و هدف دار برای یک سری اعتقادات می باشد.

خشونت هدفدار نیز عمدتاً مطابق با برنامه از پیش تنظیم شده و دارای عمر طولانی است و خشونت را نمی توان همیشه نفی کرد.

از نظر جامعه شناسان:

خشونت و ترور را می توان وسیله ای برای کنترل و ایجاد توازن درمقابل انحرافات قدرت حاکم سیاسی از قبیل خیانت به مردم مورد ارزیابی قرار دارد.

گروه های کوچک ترور:

آن دسته از گروه های کوچک تروریستی را می توان به عنوان نمونه مثال زد که عاری از هرگونه آگاهی و استعداد و وظیفه تاریخی بوده و قبل از به وجود آمدن شرایط مادی و معنوی انقلاب تحقق یافته اند.

این جشن ها را ترور پیش رو به حساب می آورند و در مرحله اول ضمن قطع کردن تناقضات موجود برای ایجاد افکار عمومی پا به عرصه فعال می گذارند.

برخی از گروه های ترور نیز با منطق انقلابی بسیار سهو و ابتدائی و کم بها به خیال اینکه به فوریت به نتیجه اصلی خواهند رسید به عملیات خرابکارانه غیر منظم دست می زنند.

این گروه های ترور که بدون جذب حمایت قبلی مردم آغاز به کار می نمایند هم مردم را به ستوه آورده و هم باعث رونق سیاست دیکتاتورها می شوند.

برای هر ترور انقلابی یک هدف ملی و یک دشمن که می بایست محو و نابود وجود گردد.

ریشه های خشونت و ترور:

به دو دسته مطرح می شوند:

ترور بالا و ترور از پائین: ترور از بالا عموماً به آن ترور دولتی گفته می شود که به صورت فشار بر مردن تجلی می گردد- و ترور از پائین به شکل قیام مردم بر علیه قدرت حاکم خود را نشان می دهد.

در ترور از پائین نقش آگاهی های توده های مردم نسبت به بی عدالتی هائی که در حق آنها روا می شود بسیار بزرگ است.

موثر ترین عامل تحصیل کننده رویت بی عدالتی به اندازه مفهوم و شدت خشونت شعور اجتماعی و سیاسی و سطح فرهنگ مردم است.

**به عقیده جامعه شناسان:**

در حرکت جامعه به سوی ترور و خشونت و وحشت و خود باختگی

انسان ها که از نگرانی آنان از تحولات اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و

سیاسی و عدم درک کامل زمانه ناشی می شود. و فریب آنان در مقابل

شعارهای ارزان و آزادی بخش و نشان دادن گرایشات وابستگی

نامشخص نقش دارد.

تحقیقاتی که در کریمه به عمل آمده نشان می دهد که مراکز عمده و مهم

تروریست های چپگرا و راستگرایی و از یک مرکز واحد دستور می گیرند

مشاهده می شود گروه هایی که از یک سطح آموزشی درآمدی برخوردار

بوده است و دارای گروه سنی مشخص بوده اند و از مناطق شهری و غیر

شهری هستند و همگی در یک صف قرار گرفته اند و اختلافات سیاسی و

موجود بین عناصر گروهی که بر روی بافت اصلی گروه ندارد و کسانی



که دارای تحصیلات عالی هستند در این مورد در صفوف مقدم قرار دارند و بین سنینی ۱۶ تا ۲۵ می باشند.

استراتژی تروریستی سیستم سازمانی:

در استراتژی تروریستی یک اقدام و عمل خشونت بار راهی برای بالا بردن روحیه عامل خشونت و اثبات موقعیتش می باشد.

در عین حال اثبات قدرت سازمان به غیر تشکیلاتی در رساندن پیام به افکار عمومی جراحان عملیات تروریست ها به حساب می آید.

ناگفته نماند برخی از سازمان های ترور از طرف بعضی از کشورها حمایت و تحریک می شوند این حمایت در جهت تصریح های ایدئولوژیکی و با هدف های سیاسی دولت مربوط به خود را نشان می دهد.

و سازمان های گوناگون تروریستی علاوه بر ایجاد جبهه مشترک سیاسی اقدام به تشکل های عملیاتی مشترک نموده و متقابلاً به مبادله اطلاعات

پرداخته و همدیگر را از نظر مالی حمایت می کند.

و امروزه تروریست ها هیچ وقت از طرف همه محکوم نمی شوند و مورد لعن و نفرین قرار نمی گیرد.

ترور و جرم شناسی:

از جمله افرادی مانند کارلوس از اعقاب مهاجرین اسپانیایی است که در جستجوی شهره گشوده الدو را و همچنین زاپاتا و پانچودیالی به حساب می آورند.

از جمله تروریست های مشهور جهان اسپانیایی است.

و ترور و قتل های زنجیره ای هم بسیار زیاد در عصر حاضر وجود دارد و آن جایی که خشونت تکثیر می شود.

ژرف نگری در حوادث تلخ دو ماهه اخیر نشان می دهد که سبق به سابقه

خشونت های چند ساله نیروهای فشار بود که حاکی از این است که نباید

جنایت های اخیر رابه یک گروه خاصی محدود کرد.

و گمان می برند با شناسائی و مجازات عاملان این قتل ها ماجرا تمام می

شود.

از اصلاح کردن ابرو تا کور کردن چشم:

مربوط به قتل های زنجیره ای و رخدادهای ناشی از آن است که در روز

نامه های عصر آزادگان و ... به عنوان رسانه ای که عمده ترین و خلیفه

خود را آگاه کردن جامعه از مسائل روز می داند.

در رابطه با مناقین یک سیستمی داریم که ما با هر عامل جنگ و بمب گذار

که بمب وارد کشور کند یا کسی را ترور کند حکمش اعدام است یعنی

سیستم قضائی کشور حکم این طرف را اعدام می داند تعارف هم ندارد هر بمب گذاری که وارد کشور می شود و اقدامات تروریستی می کند حکمش اعدام است.

و این نیز یک حالت تراژدی دموکراسی در ایران که از زبان روزنامه ها بیان می شود.

خلاصه:

در میان تمام قاره های دنیا و تمامی اقشار ترور حرف اول را می زند چون با یک هدف سیاسی آغاز می شود و تروریسم ها برای رسیدن به

اهداف خود که همان نابود کردن دیگران می باشد دست به ارتکاب این جرم می زنند و از هر وسیله برای ترور استفاده می نمایند.

برای مبارزه با ترور راه حل های زیادی پیشنهاد شده است ولی متأسفانه هیچکدام کار ساز نبوده اند و در مبارزه با ترور مسائلی از قبیل رفع

نامتعدلات جغرافیایی و منطقه ای پیشرو ترور اصلاح ارزش های اخلاقی و یافت اجتماعی جامعه و تضمین آزادی های مذهبی و وجدانی دارای

اهمیت ویژه ای هستند.

باید کوشید تا با تروریسم های جهان مبارزه کرد و آنها را محکوم به اعدام نمائیم.

